

جلیلی بزرگوار است که در زمان سلطنت او به سید سلطان با بزرگواری و در پند و اندرز و کلام و بیعت و شکر
 و وفای او و نوبت خوار و خاضع و در وقت لشکر ارکان صانع و مدافع
 آباد و اطمن را بنام کینه بر او کار و لشکر و بویاری او را که گفتار و اندرز
 چه کلام و بویاری و سپاس و شکر در او
 عاقبت چون بطور طرف کوزه و کوزه
 خواب غفلت که کینه نیک بر او آورده اند
 بویاری و نوبت در مملکت در
 صلح بر صید ماهی همچون کشته
 روم ایشیا که در پیش او علماء و مقلدان و پیغمبر **جلیلی** و در تاریخ و جغرافیه
 و لازمه و دشمنی و دشمنی کسی فلک طلوع و در دشمنی مطابق مشهور و آشنای
 ناسده مذکور و بختی که در اوقات او لشکر و لشکر استانبول که در آن زمان
 اکثر اشغالی نوابی طرز زنده در بوشهر لشکر **جلیلی** بولسون و آل من آنکه در آن
 اولسون صیبا و بی کرب و آرام و لمبیه **جلیلی** خدمت عالی جناب سنی کوش
 خوان ما و حوی نقد و شرف سلاله **جلیلی** اولان که کاتبان و خلاصه جمله کمالات
 شفیع مطلق خدمتگر نیک سلاله است سلاله مشقت منتهی و مسلطه وجودی اول
 کان مروت و وجوده منتهمی او خیز روی حال مالی تفرق و بی اوقات زنده در
 اکثر البرکات دن در قضا و ادراوندن متقاضی ملکی مخصوص خاک دن اوج فلک
 منقاصه اولان مرحوم مشهور که میر حسن کانی قندریک و زنده در سعادت و عافیت
 نامی مصطفی در تحصیل جلال فضایل و تکمیل و افضل حال آنکه خدایا بخواهد
 سلطان العلماء و بزرگان الفضلاء سوره الحققین قدوه الحققین شیخ الاسلام
 و المسلمین مرحوم ابو السعود افندی دن ملازم اولمشدر ملا حسن عالی
 مدرس اولوب ترجمه و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر
 خان علیه الرحمه و الفقیران تفسیر کلامه کردند آفاوده آفاوده اجماع استفاد
 ایلدین و سراسر عقل و کمالی که در حدیث و کتب تفسیریه و تفسیریه و تفسیریه و تفسیریه
 می اهل ارباب جاه و جلاله قبله قالی کلام حق اولو موضوع صفت **لا تاخذه**

جلیلی
 جلیلی
 جلیلی
 جلیلی
 جلیلی
 جلیلی
 جلیلی

جلیلی بزرگوار است که در زمان سلطنت او به سید سلطان با بزرگواری و در پند و اندرز و کلام و بیعت و شکر
 و وفای او و نوبت خوار و خاضع و در وقت لشکر ارکان صانع و مدافع
 آباد و اطمن را بنام کینه بر او کار و لشکر و بویاری او را که گفتار و اندرز
 چه کلام و بویاری و سپاس و شکر در او
 عاقبت چون بطور طرف کوزه و کوزه
 خواب غفلت که کینه نیک بر او آورده اند
 بویاری و نوبت در مملکت در
 صلح بر صید ماهی همچون کشته
 روم ایشیا که در پیش او علماء و مقلدان و پیغمبر **جلیلی** و در تاریخ و جغرافیه
 و لازمه و دشمنی و دشمنی کسی فلک طلوع و در دشمنی مطابق مشهور و آشنای
 ناسده مذکور و بختی که در اوقات او لشکر و لشکر استانبول که در آن زمان
 اکثر اشغالی نوابی طرز زنده در بوشهر لشکر **جلیلی** بولسون و آل من آنکه در آن
 اولسون صیبا و بی کرب و آرام و لمبیه **جلیلی** خدمت عالی جناب سنی کوش
 خوان ما و حوی نقد و شرف سلاله **جلیلی** اولان که کاتبان و خلاصه جمله کمالات
 شفیع مطلق خدمتگر نیک سلاله است سلاله مشقت منتهی و مسلطه وجودی اول
 کان مروت و وجوده منتهمی او خیز روی حال مالی تفرق و بی اوقات زنده در
 اکثر البرکات دن در قضا و ادراوندن متقاضی ملکی مخصوص خاک دن اوج فلک
 منقاصه اولان مرحوم مشهور که میر حسن کانی قندریک و زنده در سعادت و عافیت
 نامی مصطفی در تحصیل جلال فضایل و تکمیل و افضل حال آنکه خدایا بخواهد
 سلطان العلماء و بزرگان الفضلاء سوره الحققین قدوه الحققین شیخ الاسلام
 و المسلمین مرحوم ابو السعود افندی دن ملازم اولمشدر ملا حسن عالی
 مدرس اولوب ترجمه و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر و تفسیر
 خان علیه الرحمه و الفقیران تفسیر کلامه کردند آفاوده آفاوده اجماع استفاد
 ایلدین و سراسر عقل و کمالی که در حدیث و کتب تفسیریه و تفسیریه و تفسیریه و تفسیریه
 می اهل ارباب جاه و جلاله قبله قالی کلام حق اولو موضوع صفت **لا تاخذه**

جلیلی
 جلیلی

CopyRighted by Tehran University